

از Le Monde

شماره ۱۸/۱۲/۲۰۰۹

برگردان: قدیر محبوب

ضعیف شدن موقف زرداری و رنجش خاطر ایالات متحده

اعلام ستره محکمه پاکستان مبنی بر الغای فرمان معافیت و تعقیب عدلی هشت هزار نفر شامل حلقه رهبری پاکستان که متهم به فساد اند، برای واشنگتن خبر بدیست.

درین ایام که تشدید تلاشهای جنگ در افغانستان روی دست است، واشنگتن باید منبهد بالای یک رئیس جمهور از پا افتاده و یک قدرت نظامی ایکه در برابر حکومت انتخابی دوباره قد راست کرده است، تکیه کند.

آصف علی زرداری در نتیجه پیروزی حزب مردم پاکستان (ح.م.پ) در انتخابات ماه سپتامبر ۲۰۰۸، بعوض جنرال پرویز مشرف به مقام ریاست جمهوری انتخاب شد. ح.م.پ. بخاطری دو باره در انتخابات شرکت توانست که پرویز مشرف زیر فشار ایالات متحده، فرمان معافیت افراد رهبری آن حزب را بخاطر تقسیم قدرت، صادر کرد.

خانواده بوتو بخاطر فساد و استفاده از قدرت در سالهای حکومت داری (۱۹۸۸-۱۹۹۰) و (۱۹۹۳-۱۹۹۶) زیر تعقیب عدلی قرار داشتند و آقای زرداری ده سال زندان را سپری نمود بود.

این برگشت به گذشته در حقیقت یک نوع انتقام گیری از نخبه گان سیاسیت که توسط آقای افتخار چوودی رئیس ستره محکمه پاکستان که توسط پرویز مشرف برکنار شده بود و اینک تازه دوباره به وظیفه گماشته شده است، به راه می افتد.

آیا آقای زرداری زیر این فشار به زانو درخواهد آمد؟ فعلاً با مصونیتی که قانون اساسی برایش داده است، در امان است، اما با پیش آمد این وضع خیلی آسیب پذیر شده است. آوازاها بخاطر استعفای وی از هر طرف بلند شده است اما روز نامه The News نوشت: از لحاظ قضایی آقای زرداری مجبور نیست استعفا دهد اما از لحاظ اخلاقی راه دیگری ندارد. گذشته از شخص زرداری، تمام دستگاه حکومت وی متزلزل شده است. حلقه ریسمان قضا بدور گلوی بعضی از وزرا همین اکنون

فشار آورده است. آقای احمد مختار وزیر دفاع پاکستان که قرار بود روز جمعه به چین پرواز کند، ممنوع الخروج اعلان شد.

به همین ترتیب آقای رحمان ملک وزیر داخله بروز ۲۴ دسامبر به قضا احضار شده است. انتظار برده میشود که تغییر و تبدیل در کابینه اجتناب ناپذیر است و اینکار قدرت نخست وزیر یوسف گیلانی را، که در زیر پیگرد عدلی قرار ندارد افزایش خواهد داد. بخصوص که رئیس جمهور قبلاً ریاست «مقام فرماندهی ملی» را که ساختار نظامی کنترل از سلاح های ذروی را در بر میگیرد، به وی سپرده است.

ضعیف شدن موقف آقای زرداری پی آمد های سنگین ستراتیژیک را در قبال خواهد داشت. زیرا پلان واشنگتن - داخل ساختن بیشتر پاکستان در جنگ علیه القاعده و طالبان در قلب مناطق قبایل پشتون نشین - را خنثی میسازد.

واشنگتن بالای ریاست جمهوری زرداری زیاد حساب میکرد تا یک دولت غیر نظامی را، بعد از دهه ها حکومت نظامی درین کشور که با جهادی ها روابط و مناسبات مبهم داشت، پایه گذاری کند.

از دیدگاه تاریخی ISI با سازمانهای بنیاد گرای اسلامی، بمتابه ابزار تأمین منافع ژئوپولیتیک پاکستان در افغانستان و کشمیر هند، پیوند های دیرینه دارد. اما در فردای حادثه ۱۱ سپتامبر، زیر غضب شدید جورج بوش، آقای مشرف مجبور شد تا القاعده را در شهر های پاکستان زیر تعقیب قرار دهد. اما در طول این سالها ایالات متحده به وضاحت فهمید که پاکستان از موضع دوگانه خود منصرف نشده و روابط جرم شمردنی را با مراکز بنیادگرایان اسلامی هنوز حفظ کرده است.

وقتی در سال ۲۰۰۸ (ح.م.پ.) دوباره به قدرت رسید. ایالات متحده خواست با استفاده از فرصت صلاحیت های ISI را که سالها اعضای ح.م.پ. را شکنجه داده بود، محدود سازد. از جمله میخواست این سازمان را از دست اردو بیرون کشیده شامل وزارت داخله پاکستان سازد، اما این تلاش بزودی توسط لوی درستیز اردو پاکستان جنرال اشفق کیانی خنثی شد. کیانی از آقای زرداری که خیلی زیاد طرفدار آمریکاست، حذر میکند.

حالا قضا علیه زرداری یورش برده است و اردو ازین وضعیت استفاده اعظمی خواهد کرد.